



22 آگست 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

مجموعه ارشادات و بیانات شاه امان الله غازی

حین لویه جرگه 1303

به مناسبت نود و نهمین سالگرد استقلال کشور
(قسمت ششم)

نظریات و مشاورت لویه جرگه در مسایل داخلی

ادامه مذاکرات روز دو شنبه ۳۰ سرطان

اعلیحضرت فرمودند: «باقی میماند نظامنامه جزای عمومی و جزای عسکری، این مسئله ایست که در آن علماء بحث و مذاکره کنند، چرا که بغیر از علمای ما فکر دیگران به مسائل نمیرسد، حالا اگر فقره بفقره خوانده شود و در مجلس بحث و مذاکره شود، باید کم از کم ششماه در کابل معطل بمانید تا این مسائل تمام شود. در آخر مجلس نظامات مبحث فیه برای شما داده میشود که در جایهای خود رفته آنها را مطالعه کنید و در فقره که بحث داشته باشید، فردا یا پس فردا مذاکره کنید.

باقیمانده معاملات عروسی و مراسم تعزیه داری که هر دوی آنها تعلق بشریعت دارد و هم بسیاست، بایستی در ماده اش بحث و مذاکره نموده شود تا آنچه خیر و بهبودی ملت و امر و راه شریعت باشد گفته شود. اگر چه خداوند واحد و شاهد است که در نظامنامه این خادم ملت و علمای اعلام و وزراء تان خون جگر ها خورده ایم و شبها بیدار خوابی کشیده ایم و زحمات را بر خود گرفته ایم و آنچه های را که آسایش و آسوده گی ملت در آن بوده است، فراهم آورده ایم، تا رسیدن دیگر نظامات دولت شروع و بحث در نظامنامه نکاح میکنیم.»

اعلیحضرت (پس از آنکه "نظامنامه نکاح و عروسی و ختنه سوری" از طرف منشی لویه جرگه قرائت شد و قبل از آنکه مباحثه و ابراز نظرها در زمینه شروع شوند) **بیانیه مطولی ایراد کردند و فرمودند:** «ایزد پاک همچنانیکه در قرآن مجید بما مسلمانان اجازه نکاح را تا بچهار زن عطا و کرامت فرموده است، همچنان بلکه بیشتر از آن بر بنده گان خود تاکید عدالت و مساوات را در میان ازواج شان نموده است. و اسفا در این زمان اکثر از مسلمانان این حصه کلام رب العالمین را که (فانکحو ما طاب لکم من النساء منی و ثلاث و رباع) است، تماماً بنظر قبول می بینیم و از آن حصه مهمه آن که (و ان خفتم الا تعدلو فواحدة) کاملاً صرف نظر نموده ایم. این عاجز از وضع این نظامنامه بجز از تعمیل و تنویر احکام رب قدیر و متوجه نمودن مسلمانان را بسوی این خطای فاحش شان و آنها را موفق داشتن و مکلف نمودن بدین حکم پروردگار، چیزیرا در نظر نداشتم.»

اعلیحضرت در ادامه فرمودند: «بلی مقصدم از وضع این نظامنامه آن است که من عاجز از زمان شهزاده گی خویش الی آلان بغیر از نفاق ملت افغانیه و قتل و قتل درخصوص زن گرفتن و دختر دادن دیگر چیزیرا ندیده ام و نمی بینم. آرزو دارم که بیک طریقه خوب و یک روش مرغوب که خوشی جانبین را حائز باشد، مراسم ازدواج را بنمائید تا حیات و گذاره و صورت معیشت تان باتفاق

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

خوشی و یکرنگی بگذرد. والله دیده ام که مابین دو برادر در خصوص یک زن اینطور عداوت و عناد پیدا شده که اگر در راه، آن برادر دیگر خود را ببیند، بجز آنکه سرش را قطع کند، دلش سرد نمیشود و همچنین نکاح صغارت نیز موجب مشاجرات و مناقشات دیده و شنیده شده است. چنانکه یکی بر خواسته میگوید که این دختر را پدرش در وقت صغارت برای من نامزد کرده است که در اینصورت هم در خانه داماد یک نزاع پیدا میشود و هم در خانه عروس منافرت بوجود می آید. در خصوص شخصیکه یکزن داشت و خواهش نکاح ثانی را مینمود، چنین کردیم که در نکاح دوم، دو نفر شاهد بیاورد که شخص عادل و بانصاف است. چرا آن زن اول بیچاره در صورتیکه بروی زن بیاید، معلوم است که با یک عالم زحمت دچار میگردد. لکن از خوف مظالم شوهر صدای نمیکشد و آوازش بجای نمیرسد هر قدر ظلم و تعدی که [شوهر] مینمود بیچاره فلک زده تحمل میکرد و با این بعضی زنها در محکمها ها بی پرده میرفت و شوهرش که بیرون با یک وضعیت خیلی قشنگ می برآمد، بواسطه که زنش او را به محکمه آورده هزار لعن و طعن می شنید. فقط برای دفع این مظالم و قائم شدن عدالتی که خداوند تأکید آنرا در ازدواج فرموده چه کردیم، گفتیم یک شاهد و یک تصدیق نامه آن مردی که میل به نکاح ثانی را دارد، قبل از عروسی بدهد که زن اول و ثانی را بیک نظر دیده عدالت مینمایم، در این نکته من خیر ملت خود را می دانم مثل امروز زکوة را مردم بسیار کم میدهند، مالیه را بخوبی میرسانند، چیست که در حصول زکوة محصل [مقصد همان پولیس یا عسکری است که بخانه شخص مورد نظر از طرف حکومت فرستاده میشود تا شخص به ادای دین خود بپردازد] مقرر نیست و بر مالیه موجود است. گویا مصدق محصل عدالت و مساوات گفته میشود، هزار افسوس بر نا خوانی و جهالت که نظامنامه را نخواند و ندیده چنان کردند که حکومت امر کرده، تا رضای زن اول نباشد، احدی دیگر زن گرفته نمیتواند. نی! آغا مساوات بکن، عدالت بکن چهار زن بگیر، لکن از آن چهار زن که همیشه در بین شان جنگ و جدال و قتل و قتال باشد، بخیالم یکزن بهتر است. حکومت شما گاهی نگفته که در گرفتن زن ثانی رضای زن اول بکار است. کدام زن است که بگرفتن یکزن دیگر، شوهر خود را امر کند و رضا باشد حتی اگر یک زن لنگ و کور هم باشد، گاهی به این امر خوش نیست که شوهرش زن دیگر بگیرد.

اما در وقتیکه یک مرد عدالت و مساوات نداشته باشد، گاهی راضی نیستم که زن دیگر بگیرد و باز هر دوی شان در محکمه جات حاضر شوند. هرکس که بحث و مذاکره و تنقید برین نظامنامه داشته باشد اینکه نظام نامه برایتان سرا پا خوانده میشود، بشنوید و فقرات بحث طلب را بیرون نویس کنید که در خاتمه بران گفت و شنید نمایم. من حاضریم که همراه تان در آن موضوع گفت و گو کنم.»

بعد از بیانات فوق الذکر اعلیحضرت منشی مجلس نظامنامه مزبور را به آواز بلند خواندن آغاز کرد. بعد از خواندن نظامنامه نکاح و عروسی فقراتی که برآن اعتراضات و گفت و شنید بعمل آمده مجملاً حسب ذیل بود: یک وکیل قندهاری گفت: «اعلیحضرتا! ما مقصریم از اینکه یک فکر و رأی بدهیم. چیزی که شرع شریف و احادیث منیف فرموده و علمای ما از آن معلومات دارند، بگویند تا ما عمل کنیم ما همه اوامر شریعت را آما و صدقنا گفته بسر چشم قبول داریم.» وکیل سمت مشرقی علاوه کرد: «در ماده که در آن ذکر نگرفتن بیشتر از یک زن است، در صورت عدم مساوات و اعتراض کنان گفت که در اینجا حکم بدست مرد است که خواه یکزن میکنند یا چهار زن. حکومت حق ندارد که منع کند. چرا که در شریعت موقوف نشده در صورت عدم عدالت و مساوات، زن مختار است که خودش در محکمه بیرون رود و یا وکیل میگیرد تا همراه شوهرش مباحثه بکند و حقوق حقه آنزن را بدستش بدهد.»

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

اعلیحضرت فرمودند: «کسی شما را از چهار زن گرفتن منع نکرده است و گاهی قانون دولت برای شما نشان نمی دهد که بغیر از یک زن بگرفتن دیگر عیال ماذون نمی باشید. این افواه که زبان زد عوام گردیده از تبلیغات اعداء و از بیخبری خود شماست که از یکطرف بقول دشمنان خود گوش داده اید و از جانب دیگر بطرف نظامات دولت الطفات نمیکنید و دقت را بکار نمی برید که آیا این حکم در کدام ماده و کدام صحیفه نظامنامه مندرج است، ابدأ حکومت شما تعداد ازواج را مانع نشده است. البته یگانه خواهش حکومت آنست که بر طبق فرمایش ایزد پاک عدالت و مساوات حقیقی در بین طبقه ذکور و اناث مرعی و معمول باشد و این از بدیهات است اشخاصیکه بیشتر از یک زن را در حباله نکاح میگیرند، ابدأ مراعات عدل و انصاف را نمیکنند و اولاده یک زن، اطفال دیگر زن شوهر خود را که در حقیقت برادر اند، با اقارب و طرفین او بنظر بغض و حسد نگرسته رفته رفته از همین تعداد ازواج چنان یک نفاق و بیگانگی در بین اقارب نزدیک بوجود میآید برضد اوامری که ایزد پاک بار بار ما را باتحاد و اتفاق دعوت کرده است، عملیات نا گوار بمیان میآید. از این رو حکومت تان نه حکم امتناع تعدد ازواج کرده و نه آنها را یکسره اجازه داده است که باوجود مظالم و بی انصافی و اعتساف [ستم کردن] پیشگی چند زن بنمایند که بدون مصداق و علامات و شواهد عدالت بیشتر از یک زن را گرفته بتوانند. البته اگر کسی تصدیق انصاف و مساوات و عدالت ناکح را بکند، گاهی حکومت او را از تعدد منکوحات مانع نمیشود.»

مولوی فضل ربی پس از ارشادات اعلیحضرت چنین عرض کرد: «ایزد پاک اجازه گرفتن چهار زن را داده در صورت عدم عدالت البته بیشتر از یک زن را اجازه نفرموده است. مگر بشرط و لفظ مصدق نه در قرآن و نه در حدیث و نه در کتب فقهیه برای نکاح ثانی موجود است، بلی در صورتیکه مرد حق یکی از زنان خود را تلف کند، آنزن مظلومه حق تلف شده خود را که شریعت بدو اجازه داده است و استغاثه مظالم و حق تلفی شوهر خود را شخصاً و یا وکالتاً یکی از اقاربش در محاکم شرعیه بنماید، علاوه برآن خطاب عدالت از طرف رب العزت برای شوهران است نه بر اولی الامر. لهذا پادشاه هیچ حق مداخلت را در تعدد نکاح بتقرر مصداق و شرط عدالت نخواهد داشت و این هم بدیهی است، باوجودیکه مرد در موقع نکاح خویش تصدیق عدالت خود را بنماید، چون قبل از وقت است بعد از نکاح اگر عدالت نکند از عقل بعید نیست. پس عقلاً و نقلاً وجود شرط مصدق در تعداد ازواج بی سود است.»

در اینجا یک غلغله بین اعضای لویه جرگه بر خلاف تقرر مصدق برپاشده هر کسی از علماء و وکلاء و سادات برپا خواسته نظریات مطوله و مختصره خویش را بر عدم تقرر مصدق خاتمه میداد و هم ضمناً از محصولیکه بر نکاح ثانی و ثالث و رابع حسب المراتب مقرر بود، زمزه سرائی کرده متفقاً اظهار داشتند که مصدق و محصول هر دو باید الغا یابد و اعلیحضرت بکمال بشاشت و خنده پیشانی حسب النوبه بسخن هر کدامی گوش میداد.

بالاخره فضائل مآب حضرت شور بازار نتیجه تمام این مذاکرات را چنین بخدمت شهریار خویش رسانید که: «در باره مصدق شخص خودم هیچ گفته نمی توانم که باشد یانه، لکن آرزومندم محصولیکه بر شوهران بنکاح دوم، سوم و چهارم در این سال مجدداً مقرر شده است، معاف گردد.»

اعلیحضرت: در اینجا یک بیانیه را در حقوقیکه نسوان بالای مردان دارد عقلاً و نقلاً ثابت کنان و از مظالم که بران بیچاره گان بواسطه همین تعداد ازواج وارد می آید و عده از اهالی، آنها را که بمیل خاطر شان نباشد، میفروشند و به حیوانات مبادله مینمایند و به حالت زار نگهداشت مینمایند، بیک

الفاظ نهایت رقت آور بیان داشته و در خاتمه فرمودند: «ما و شما تماماً از طبقه اناتیه که بجز از چشم و نگاه ما دیگریرا نمی شناسند و اسباب مسرت و غمگینی شان خنده پیشانی و چین جبین ما مردان است، مسئولیم. مخصوصاً شخص خودم که الطاف خداوندی پادشاه شمایم، چنانچه از رفاه و آرامی شما مردان مسئولم، بیشتر تر از رعایای اناتیه خود نیز شرعاً و عقلاً و نقلاً مسئولم. بخدا که دل و جان و وجدان من گاهی بدین امر وادار نیست که محض بواسطه خواهش نفسانی یک عده از مردان بهیمه [حیوان] صفت این همه پریشانی ها و مذلت را بر یکدسته از رعایای مظلومه بی زبان ملت که طبقه مستورات است، روادار شوم. و این را هم نا گفته نمیگذارم که شما علماء و فضلاء همچنان که من در این مسئولیت داخلم، زیاده تر زیر بار این مسئولیت خواهید بود. از برای خدا کسانیکه ترتیب معیشت و نگرانی آنها را خداوند به ذمه شما گذاشته است، آن حق را رعایت کنید و عینک بهیمه صفاتی را از خود دور کرده بچشم حق بین در اصل مسئله وقت را بکار برید. زندگانی مردی که یکرز داشته باشد، نسبت به اشخاصیکه زندهای مختلفه السیرت متعددی را داشته باشد، چقدر متفاوت است.»

مولوی محمد حسین خان در زمینه ابراز نظر کرد و گفت: «در تعداد ازدواج عرض میکنم که از آیه شریفه است (ولن تسطیعوا تعدلو بین النساء ولو حرصتم فلا تملو کل المیل فتذروها کالمعلقه) استنباط می شود که شما در میان زنها متعدد هر گز عدل کرده نمیتوانید بیشتر بیان شده (و ان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ملکة ایمانکم) اگر خوف کنید که عدل کرده نخواهید توانست، پس یک زوجه بس است یا کنیز هایتان. بهر کیف چون بنا بر بعضی اسباب ضروری و لایبی چهار جائز شد، شرط عدل هم لازم آمد و اگر عدل نشود لاجرم درمیان زن و شوهر نفاق و شقاق رو می نهد. دردیگر آیت وارد است (وان خفتم شقاق بینهما فابحثو حکماً من اهله و حکماً من اهلها) اگر شما از شقاق و عداوت یکدیگر میترسید، پس یک حکم از طرف شوهر و دیگر از جانب زن مقرر کنید. لهذا در صورتیکه مرد بعد از ازدواج واحده خیال دیگر زن را داشته باشد، چون عدل محال است و از عدم عدل آن اندیشه شقاق لاحق میشود، پس هنگام ازدواج مزید یک نفر از طرف مرد و دیگر از اهل زن بیشتر مقرر باشد تا اصلاح شانرا بعمل آرد و این دو نفر دایماً ضامن و مراقب و منفعت احوال هر دو طرف باشند. این یک تجویزیست که بخاطر فاطر من گذشته است البته علماء تطبیق یا تردید آنرا کرده میتوانند.»

همچنان مولوی محمد بشیر بنائید اعلیحضرت غازی آیه شریفه محسنین و غیرمسافحین و دیگر آیاتی را که در مورد شفقت و نظر رحمت داشتن بر طبقه اناتیه بود، با احادیث شریف در روایات منیف خوانده و بترجمه عام فهم آن بیک جوش و خروش فوق العاده پرداخته مخصوصاً آن حدیث رسول اکرم (ص) که در موقع حجة الوداع نسبت به مراعات نسوان و عطف توجه نمودن مردان بدین اجسام لطیفه فرموده اند، با بندی از این مظالم و بیدادی های را که رجال موجوده بر ازواج متعدده خویش فی الحال روادار میشوند، بالفاظ نهایت پر شور ایراد داشته فلسفه تعدد ازواج را در زمانه صحابه محض برای سرپرستی بیوگانی که در جهاد شوهران شان و فات میکردند و به تعداد از خود بیوه ها میگذاشتند، بیان کرده گفت: نه اینکه مقصد از چهار زن گرفتن میل نفسانی را پوره کردن مقصود شان بوده در خاتمه در این قید و بستی که ذات خسروانه بر تعدد ازواج فرموده اند، حضور ملوکانه را حق بجانب گفته علماء را که بلفظ مؤدبانه بدین امر توجه دادند که باید در حال مراعات نسوان بعمل آید.

اعلیحضرت (در برابر این همه فشارهای لویه جرگه که فقط مختصری از آن بیان شد و همه بر مبنای آیات و احادیث مبارکه صحبت میکردند، ناچار شدند موقف ملایمتر در موضوع اتخاذ کنند) **فرمودند:** «امسال در حین ترتیب بودجه، وزارت مالیه چیزی مبلغ را از عائد کمتر و مصارف را بیشتر نشان داد. مجلس وزراء برای تعمیل آن مخارج هر چند سنجیدند، ممری را نیافتند اگر بر مالیه یا گمرک و بر دیگر محصولات دولتی می افزودند، ظاهراً ظلم و بار اندازی گفته میشود، بالاخره چنان سنجیدیم که مبلغ بر دو شعبه ایزاد گردد، اولاً بر عرایضی که مردم بنزد مامورین دولتی حق و ناحق نموده موجب سرگردانی نا حق اهالی و تطمیع اوقات مامورین دولتی میشوند، افزودیم تا مردم بواسطه گرانی عرایض در صورتیکه مقصدشان مظلوم آزاری و سرگردانی باشد، عریضه پرداز نشوند. دوم برای نکاح ثانی و ثالث و رابع چون عموماً بغرض میل نفسانی و عیاشی میباشد و ظاهراً کسیکه نکاح متعدد میکند، حتماً پول زیاد هم داشته میباشد، افزودیم و برای شخصیکه بنابر بعضی مجبوریت های خانگی نکاح ثانی میکند، این محصول را معاف داشتیم و هم از مصدق مقصد رفع مظالم و ادامه عدالت و مساوات از اول مرحله بود، چنانچه برای حفاظت خزانة و مقامات لازمه از ابتداء بهره دار مقرر میشود تا دزد در آن اطراف و اکناف تردد نکنند. اکنون که شما علمای اعلام خواستار معافی محصول میباشد و هم برای دوام عدالت و مساوات در باب زن شکایت نمودن را بمحاکم عدلیه دادید و هم حکومت را بمجازات شخصیکه بر ازواج خویش مراعات عدالت را نمیکند، اختیار دادید هر دو یک مطلب است. گویا من از اول بهره دار مقرر کرده بودم که دزدی نشود و دزد بنظر نیاید و شما میگوید که حاجت ندارد اگر دزدی شد و مال غایب گشت، باز از روی تفتیش و دلایل و امارات مال را هم پیدا میکنم و دزد را هم مجازات میدهم. این خادم شرع شریف نیز بر این نظر شما مسرور و از این حق پسندی شما که همواره برای نسوان مظلوم حق استغاثه را از دست شوهران ظالم شان دادید، تشکر میکنم، برای حکومت قید اولیه که در نظامنامه بود و این قیدی را که شما بجهت همیشه فی الحال رأی دادید فرق نمیکند، بلکه نسبت پیشتر زیاده تر از حکومت ترقب عدالت را مینمایند.»

یک وکیل گفت: «بلی! بلی! ضرور باید هم بر شوهرانیکه زنان مظلوم خود را از استغاثه بمحکمه شرعیه مانع میشوند، مجازات مقرر گردد و هم بر مردی که با وجود تنبیه حکومت مکرراً باز ببیرونی و مظالم پیشگی را واگذار نشود و باز استغاثه از دست وی بحکومت برسد، باید قدری مجازات وی در مرتبه (۲) و (۳) حسب المراتب کسب زیادت و شدت نماید.»

اعلیحضرت با یک عالم شادمانی این نظریه لویه جرگه را بنظر قبول منظور فرموده منشی مجلس را امر بقلم بند نمودن او کرد این مبحث بکمال شادمانی خاتمه یافت.

(ادامه دارد)